

بررسی و نقد کتاب سلجوقیان از آغاز تا فرجام

بهزاد اصغری*

نیره دلیر**

چکیده

در قرن پنجم هجری، گستره سلسله سلجوقیان فراتر از مرزهای ایران کنونی را در بر می‌گرفت و آنان موجب پیوند تاریخ ایران با قلمروهای همسایه شدند. از این رو، بررسی تاریخ این سلسله از اهمیت دوچندان برخوردار است. در همین راستا، اثر سلجوقیان از آغاز تا فرجام، نوشته ابوالقاسم فروزانی، در هفده فصل، تلاشی در جهت بررسی تمام جنبه‌های حکومت سلجوقی است. پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که نویسنده تا چه اندازه براساس اهداف تألیف این کتاب مبنی بر ارائه متن درسی توانسته جنبه‌های مختلف حکومت سلجوقی را تحلیل و تبیین کند. بنابراین، در این مقاله با رویکرد انتقادی، شیوه تحلیلی و روایی کتاب بررسی شده است. براساس پژوهش صوت گرفته می‌توان به این یافته‌ها اشاره کرد؛ به‌رغم موضوعات متنوعی که این اثر درباره سلسله سلجوقیان پوشش می‌دهد، به‌خصوص وجه تمدنی و فرهنگی که از مزایای مهم آن است، شیوه روایی در این اثر نمود غالب دارد، به گونه‌ای که در جایگاه کتاب آموزشی دانشگاهی فهم تحلیلی دوره سلجوقیان براساس آن دشوار خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: سلجوقیان، تاریخ روایی، تحولات سیاسی، متن درسی.

* دکترای تاریخ ایران، پژوهش‌گر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، asghari63@gmail.com
** دکترای تاریخ ایران، دانشیار پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)، dalirNh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۱

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، آثار مختلفی در مورد حکومت سلجوقیان در ایران به‌نگارش درآمده که هر کدام به‌دنبال بررسی جنبه‌های مختلف این حکومت بوده‌اند. در این بین، برخی از آثار به‌منظور متن درسی برای دانشجویان به زیور طبع آراسته شده‌اند و اهداف مشخصی را در جهت آموزش دانشجویان پی گرفته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به اثر شهرام یوسفی‌فر اشاره کرد که آن را انتشارات دانشگاه پیام‌نور به‌چاپ رسانده است (یوسفی‌فر ۱۳۸۶). این کتاب، باتوجه‌به هدف آموزشی و حجم مختصر و زبان پیچیده آن، تلاشی است در جهت معرفی حکومت سلجوقیان. از این رو، از الگوی تاریخ‌نگاری روایی استفاده کرده و از تحلیل وقایع خودداری کرده است. اثر ملیحه ستارزاده (۱۳۹۵)، که انتشارات سمت آن را چاپ کرده، نیز با همین رویکرد برای دانشجویان کارشناسی نوشته شده و از الگوی روایی برخوردار است. *سلجوقیان از آغاز تا فرجام* نیز، که این نوشتار قصد نقد و بررسی آن را دارد، در این چهارچوب به مرحله چاپ رسیده است و باتوجه‌به گستردگی موضوعات و فضای جغرافیایی که پوشش می‌دهد، از سایر آثار متمایز می‌شود.

کتاب *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*، نوشته سیدابوالقاسم فروزانی، در ۵۰۳ صفحه است که در سال ۱۳۹۴ انتشارات سمت آن را به‌چاپ رسانده است؛ هفده فصل و یک پیش‌گفتار دارد که طی آن جنبه‌های گوناگون حکومت سلجوقی در آن تحلیل و بررسی می‌شود. ویژگی اصلی این اثر صورت روایی آن است که به آن حالت گاه‌شمارانه می‌دهد. در واقع، *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*، هم‌چون نمونه‌های پیشین خود، شیوه توصیفی را در پیش گرفته و از تحلیل و تفسیر وقایع اجتناب می‌کند و این امر باتوجه‌به حجم این اثر و گستره موضوعی آن صورت می‌گیرد. کتاب *سلجوقیان از آغاز تا فرجام* درصدد است تا تمام جنبه‌های حکومت سلجوقیان و تأثیرات آن‌ها را بررسی کند. از این رو، جامعیت این اثر از نقاط قوت آن محسوب می‌شود که البته این امر خود گاه موجب اخلال و پیچیدگی در فهم این اثر نیز شده است. از این رو، این مقاله به‌دنبال نشان‌دادن نقاط قوت، کاستی‌ها، و پیچیدگی‌های این کتاب است و این امر را از طریق نقد ساختاری و محتوایی دنبال خواهد کرد.

۲. مزایای اثر

کتاب *سلجوقیان از آغاز تا فرجام* تلاشی است در جهت ارائه متنی درسی برای دانشجویان دوره کارشناسی و از این رو معرفی وجوه مختلف این حکومت اهمیت زیادی برای این اثر

دارد تا کلتی از این حکومت به دانشجویان این دوره معرفی کند. باتوجه به همین امر، مهم‌ترین مزیت اثر ابوالقاسم فروزانی بر سایر آثار هم‌سطح جامع‌بودن آن است. این امر به این دلیل است که فروزانی سعی کرده است تا تمام جنبه‌های حکومت سلجوقی را در پیوند با یکدیگر بررسی کند و اوج و فرود آن‌ها را در این قالب نشان دهد. گزارش تمام وقایع سیاسی که در دوران سلجوقیان بزرگ و کوچک روی داده است و هم‌چنین ارتباط آن با قدرت‌های هم‌زمان و نهادهای مختلفی چون اتابکان و نهاد خلافت این اثر را به‌صورت خاص و چندوجهی معرفی می‌کند. پرداختن به جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی حکومت سلجوقیان در دوران مختلف قدرت این حکومت هم‌راه با فراز و نشیبی که آن‌ها شاهد بودند، موجب شده است تا کوشش شود تصویر و کلیت هماهنگی از جنبه‌های مختلف قدرت و حیات فرهنگی و اجتماعی این حکومت ارائه شود. این امر در این اثر در بستر ارتباط حکومت سلجوقیان با دیگر مراکز قدرت بررسی شده و خود موجب گردیده تا جایگاه حکومت سلجوقیان در چهارچوب کلی بررسی شود.

از دیگر مزایای این اثر توجه زیاد به وجه تمدنی و فرهنگی حکومت سلجوقی در عصر موردنظر است. به‌گونه‌ای که این کتاب، برخلاف سایر آثار هم‌سطح خود، میزان قابل توجهی از حجم کتاب را به این امر اختصاص داده و جنبه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی زندگی این دوران از قبیل ادبیات، معماری، هنرهای مرسوم، و مشاغل را بررسی می‌کند. البته نویسنده به این نیز اکتفا نکرده و به‌هنگام سخن‌گفتن درباب مسائل سیاسی این حکومت نیز از پرداختن به وجوه تمدنی آن غفلت نمی‌کند. همین موجب شده است تا پیوندهای فرهنگی و اجتماعی در قالب حکومت سلجوقی و پس‌از آن در قالب کشورهای کنونی با وضوح بیشتری تبیین و تفسیر شود و نزدیکی‌های فرهنگی و اجتماعی قوت گیرد و سبب می‌شود تا سیر تحول رخدادهای اجتماعی و فرهنگی در چهارچوبی وسیع‌تر تحلیل‌پذیر باشد و زوایای پیدا و پنهان آن به بحث و بررسی کشیده شود.

۳. نقد شکلی و ساختاری

۱,۳ فصل بندی کتاب

سلجوقیان از آغاز تا فرجام، در شکل ساختاری‌اش، تلاش کرده تا با پی‌گیری توالی تاریخی، روایتی نظام‌مند از وقایع عصر سلجوقی در اختیار خواننده قرار دهد. این اثر با سامان‌دهی هفده فصل در متن و با تفکیک و تمایز بین حوزه‌های مختلف مباحث متنوع را در جایگاه

خود تحلیل می‌کند و همین امر ساختار مناسبی را برای کتاب به‌همراه داشته است. آنچه فصل‌بندی این اثر را با مشکل مواجه می‌کند دقت نکردن در توالی فصل‌بندی‌های این اثر است؛ برای مثال، در فصل دهم به حکومت‌های اتابکی پرداخته می‌شود، ولی ساختار این نهاد در فصل یازدهم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از این‌رو، این امر در توالی فهم مفاهیم و وقایع اختلال ایجاد می‌کند که می‌تواند ناشی از ضعف در روش‌شناسی کتاب باشد. به‌لحاظ ساختاری، تکرار مطالب نیز پیکره کتاب را دچار اشکال کرده است؛ از جمله آن می‌توان به فصل آخر کتاب اشاره کرد که در آن نویسنده به پی‌آمدهای حضور سلجوقیان در ایران و جهان اسلام می‌پردازد، در حالی که به‌نظر می‌رسد اگر نویسنده تأثیر سلجوقیان را در بخش‌های مناسب هر فصل به بحث می‌گذاشت، کتاب نظم بهتری می‌یافت، زیرا در این فصل اغلب مباحث تکراری مطرح و تحلیلی از آن به‌صورت مختصر ارائه می‌شود. برای نمونه، در این فصل نویسنده دوباره به بحث اقطاع و نهاد اتابکی برمی‌گردد و مباحث تکراری را مطرح می‌کند (بنگرید به فروزانی ۱۳۹۴: ۴۷۶-۴۷۷) و هم‌چنین دوباره از رونق و گسترش زبان و ادبیات فارسی در عصر سلجوقی سخن به‌میان می‌آورد (همان: ۴۷۹). در حالی که در فصول پیشین (همان: ۳۳۶-۳۴۰، ۴۲۹-۴۵۶) به آن‌ها اشاره داشته است.

۲,۳ حوزه مکانی، زمانی، و موضوعی کتاب

مسئله دیگر این کتاب گستره مکانی، زمانی، و موضوعی است که فروزانی مجبور است به آن بپردازد. نویسنده در این حوزه خود به محدودیت‌هایی معترف است که با آن روبه‌رو بوده و آن تدوین اثری برای واحد درسی سلجوقیان، به‌صورت دو واحد درسی، در دوره کارشناسی است که باید تمام مباحث این حکومت را پوشش دهد. به همین دلیل، گستره موضوعی و مکانی کتاب موجب اختلال در درک و فهم این اثر شده است. از سویی، مشخص‌نکردن محدوده مکانی و زمانی به‌انتخاب مؤلف نیز ابهام‌هایی در این اثر را در پی داشته که خوانش آن را با مشکلاتی هم‌راه می‌کند. به‌بیانی، اشاره مبهم به دوره زمانی و ذکر نکردن حدود جغرافیایی امکان ترسیم تصویری کلی از موقعیتی را که نویسنده می‌خواهد به آن بپردازد به خواننده نمی‌دهد. افزون‌بر مشکلات پیشین، بهره‌نبردن از ابزارهای چون نقشه یا تصاویر موجب خستگی مفرط در خوانش کتاب شده و ارائه اطلاعات و تفهیم آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. در واقع، استفاده از این ابزار می‌توانست در تصویرسازی کلیت حکومت سلجوقیان و هم‌چنین درک وقایع سیاسی و اجتماعی و

فرهنگی که به مدد مؤلف انجام می‌گیرد مؤثر واقع شود. استفاده نکردن از نقشه و تصاویر تعریف حدود و ثغور جغرافیایی را با مشکل مواجه می‌کند. نویسنده، با بهره‌نبردن از این ابزار، مخاطب کتاب را از دریافت تصویری کامل از موقعیت مکانی که در مورد آن‌ها صحبت می‌کند، محروم کرده است.

۴. نقد روشی

در مورد نقد روشی این کتاب نیز می‌توان اشاره کرد که نویسنده آن به دنبال توصیفی از کلیت حکومت سلجوقی است. از این رو، روایت رخدادهای گوناگون برای او در اولویت قرار دارد. البته ارائه روایت‌های متنوع و گاه غیر ضروری در این اثر موجب اطناب شده و نثر روان آن را با مشکل مواجه کرده است (برای نمونه، بنگرید به فروزانی ۱۳۹۴: ۳۰۶). در واقع، برخلاف ادعای نویسنده مبنی بر ذکر به اختصار برخی از وقایع (همان: ۷)، ارائه روایت‌های عمدتاً سیاسی به صورت مفصل گاه موجب سردرگمی خواننده می‌شود و عدم تفسیر و تحلیل آن در کنار اجتناب از برقرار کردن ارتباط آن رویداد با سایر وقایع به کلیت کتاب صدمه می‌زند. فروزانی با آوردن روایت‌های مختلف از یک رویداد گاه به صورت مفصل به یک واقعه می‌پردازد (همان: ۲۷-۲۸). این امر به نظر می‌رسد برای کتابی آموزشی چندان مناسب نباشد. از سوی دیگر، در این کتاب، به رغم ذکر روایت‌های متعدد از رخدادهای عصر سلجوقی، اغلب از تحلیل وقایع و رویدادها نیز اجتناب می‌شود که این امر تشخیص صحت و سقم روایت‌ها را با مشکل مواجه کرده و موجب سردرگمی خواننده می‌شود. هم‌چنین، این موضوع موجب می‌شود تا جامعه مخاطب این اثر، که دانشجویان دوره کارشناسی هستند، با رویکردهای تحلیلی آشنا نشوند و فقط با روش توصیف وقایع آشنا شوند که موجب می‌شود تا قوه تفکر و تعقل مخاطبان به چالش کشیده نشود. این موضوع می‌تواند نقص مهمی برای این کتاب باشد و با برقرار نکردن ارتباط میان نتایج رخدادهای مختلف تشدید نیز می‌شود؛ به گونه‌ای که وقایع گسسته به نظر می‌رسند و نظم ذهنی برای ارتباط برقرار کردن بین وقایع متعدد شکل نخواهد گرفت.

۵. نقد ادبی

کتاب سلجوقیان از آغاز تا فرجام به لحاظ ادبی با مسائلی روبه‌روست که آن را دیرفهم می‌کند. متن این کتاب با توجه به این که بر وقایع نگاری صرف تأکید دارد، اندکی ملال‌آور

است. از سویی، از آن‌جاکه متن آن یک‌دست و روان نیست، فهم آن با مشکل مواجه می‌شود. این امر به دلیل استفاده از نقل قول مستقیم به صورت متواتر روی می‌دهد و باعث بیش‌تر شدن پیچیدگی کلامی متن برای مقطع کارشناسی می‌شود و انتقال پیام را با موانعی روبه‌رو می‌کند. استفاده از صورت‌های واژگانی ناآشنا چون «تارم» به جای «طارم» (فروزانی ۱۳۹۴: ۷۰) یا «خواجه توسی» به جای «خواجه طوسی» (همان: ۱۰۴) نیز از دیگر مواردی است که در این اثر مشاهده می‌شود. در استفاده از رسم‌الخط نیز نویسنده به صورت سلیقه‌ای عمل کرده و مواردی هم‌چون استفاده از واژه «فرماندهشان» به جای «فرمانده‌شان» (همان: ۷۹) در این اثر دیده می‌شود. علاوه بر موارد مذکور، در برخی موارد اشتباهات تایپی نیز دیده می‌شود (برای نمونه، بنگرید به همان: ۱۹۹) و برخی از کلمات به هم چسبیده نوشته شده‌اند یا شکل‌های نامتعارف مثل طغرل، بن محمد (همان: ۲۱۶) در متن به کار رفته است که فهم کتاب را دچار مشکل می‌کند. دقت نکردن در چاپ این اثر نیز موجب افتادگی متن (همان: ۲۵۰) شده که خود بر ساختار کتاب ضربه زده است.

۶. نقد منابع

در بخش منابع، نویسنده در ارائه مطلب با مشکلاتی روبه‌رو است. در واقع، نویسنده این اثر در پیش‌گفتار کتاب ضمن اشاره به گستردگی و اهمیت این حکومت به درستی به موانع پیش‌رو در بررسی این سلسله، هم‌چون وجود منابع به زبان‌های مختلف، اشاره کرده است. از این رو، فروزانی اشاره دارد که مطالعات در حوزه سلجوقی‌شناسی اغلب در قالب مطالعات اسلامی هویدا می‌شود (فروزانی ۱۳۹۴: ۶) که نشان می‌دهد بررسی این حکومت از زاویه نگاه ترکان آناتولی و ایرانیان و هم‌چنین اعراب متفاوت است. اگرچه نویسنده به محدودیت‌های حاکم اشاره دارد، توجه نکردن به منابع مختلف از نقاط ضعف این اثر است. مؤلف، که به دنبال ارائه تاریخی جامع از سلجوقیان است، ذیل منابع کتاب به هیچ‌کدام از آثار زبان‌های دیگر مراجعه نکرده است و به جز موارد معدود به زبان انگلیسی، که اغلب آن‌ها نیز به زبان فارسی ترجمه شده، از آثار دیگر بهره‌ای نبرده است. این امر کاملاً با ترسیم تصویری کامل از تاریخ سلجوقیان در تضاد است و آن را ناممکن می‌سازد.

در استفاده از منابع حاضر نیز نویسنده اشتباهاتی را دچار شده است؛ برای مثال، در بحث از پیشینه سلجوقیان او به کاشغری ارجاع می‌دهد (همان: ۱۳-۱۴) و از ارجاع به منابع دست‌اول بازمی‌ماند. هم‌چنین، در ارجاع به زمینه تاریخی شکل‌گیری حکومت ترکان

به کارهای تحقیقی غربی تکیه کرده و منابع به زبان ترکی را ندیده است (همان: ۱۴-۱۵). نویسنده این اثر در فصل یازدهم، که به بحث ساختار سیاسی حکومت سلجوقیان می‌پردازد، بیش‌تر از آرای لمبتون و کلوزنر استفاده کرده است و در واقع این فصل خلاصه‌ای از مباحث این دو را مطرح می‌کند؛ به‌بیانی، نویسنده از منابع تحقیقاتی و مقالاتی که به تازگی به چاپ رسیده‌اند نیز بهره نمی‌برد. علاوه بر این موارد، مؤلف گاه از چاپ‌های مختلف یک اثر مانند چاپ‌های مختلف کتاب *الکامل* ابن‌اثیر استفاده می‌کند که یک‌دستی متن را دچار مشکل می‌کند.

۷. نقد محتوایی

۱,۷ تناقضات اثر

افزون بر موارد پیشین، به این موضوع باید اشاره کرد که این اثر به‌رغم ادعایی که نویسنده مطرح می‌کند و مدعی است که تألیف تاریخ جامع سلجوقیان توسط یک محقق امری ناممکن است (فروزانی ۱۳۹۴: ۷)، در عمل در صدد ارائه تاریخی جامع از وقایع عصر سلجوقی است. از این رو، همین محدودیت‌هایی برای نویسنده به‌هم‌راه می‌آورد که خود به آن معترف است. مؤلف در این اثر به دنبال ارائه تاریخی روایی است و اغلب از تبیین و تحلیل اجتناب می‌کند و در واقع معتقد است که تحلیل و علت‌یابی و استنباط بر پایه داده‌های کلی نمی‌تواند دقیق باشد (همان: ۸)، اما اتکای صرف به تاریخ روایی و توصیفی موجب شده است تا اثر فروزانی به تکرار وقایع بسنده کند و مسئله جدیدی را مطرح نکند. در واقع، استفاده نکردن از تحلیل روایت در این اثر موجب شده تا جامعه مخاطب این کتاب، که دانشجویان دوره کارشناسی هستند، با دیدگاه‌های جدید آشنا نشوند و با تکرار روبه‌رو شوند. نویسنده در متن کتاب نیز با مسائلی روبه‌روست که اقبال این اثر را با سؤال مواجه می‌کند. برای مثال، در پیش‌گفتار این متن در تحلیل رابطه سلجوقیان با نهاد خلافت نویسنده دچار تعارض گویی می‌شود؛ از آن‌جاکه او در پیش‌گفتار اثر ابتدا اشاره می‌کند که حکومت سلجوقیان با یاری خواجه عمیدالملک کندری در فروپاشی ابهت خلافت نقش اساسی داشتند، به‌گونه‌ای که از خلافت جز شبحی بی‌جان چیزی بر جای نماند، ولی در صفحه سه، از همان پیش‌گفتار، مدعی است رسالتی که سلجوقیان برای خود قائل بودند احیای قدرت مذهبی خلافت عباسی در سایه قدرت حکومت سلطان سلجوقی بود (همان: ۱-۳). فروزانی در ارجاعات نیز در این بخش با دقت عمل نمی‌کند؛ برای مثال، او

مدعی است که استیلای سلجوقیان بر آناتولی موجب آمیزش توده ترکان با اهالی بومی غیرمسلمان این منطقه و به وجود آمدن ترکان دورگه مسلمان شده است (همان: ۴)، ولی از ارائه منبع و مرجع این ادعا خودداری می‌کند.

در فصل هشتم، در تحلیل تضادهای سیاسی در عصر سلجوقیان عراق چنین بیان می‌شود که توسل به مقام خلافت باعث پررنگ شدن نقش سیاسی خلفای عباسی شده (همان: ۲۳۸) که این امر با زوال نهاد خلافت در اواخر حکومت سلجوقیان و بازیچه شدن آن‌ها نزد امرای ترک منافات دارد. در ادامه، افزوده است که در دوران سلجوقیان بزرگ نهاد خلافت عملاً پایگاه سیاسی خود را از دست داده بود که به نظر می‌رسد این امر با روند رخدادهایی که وی روایت می‌کند در تعارض قرار دارد.

۲,۷ نظریه حکومت

در فصل دوم، مؤلف به روند چیرگی سلجوقیان بر ایران نظر دارد. او در این فصل به کشمکش‌های سلجوقیان با غزنویان در جهت تسلط بر قلمرو ایران می‌پردازد. هم‌چنین، به درستی اشاره دارد که هدف سلجوقیان از ورود به ایران غارت و چپاول نبوده و انتخاب لقب «سلطان المعظم» از سوی طغرل (فروزانی ۱۳۹۴: ۵۴-۵۵) نشان از الگویی در جهت استیلا بر قلمرو در جهت حکومت بر آن بود. در واقع، نویسنده در این فصل سعی در ارائه چهارچوبی دارد که حکومت سلجوقی براساس آن بنا نهاده شده و این امر از نقاط قوت کتاب به‌شمار می‌رود.

البته، فروزانی گاه در کتابش مدعاهایی را نیز به‌مثابه چهارچوب حکومت سلجوقیان ارائه می‌کند و از بیان نمونه‌های آن می‌پرهیزد. برای مثال، در فصل سوم کتاب، که به حکومت طغرل بیگ توجه دارد، او مدعی است که طغرل از سال‌های پیش از رسیدن به مقام سلطنت از مشورت کارگزاران بلندمرتبه و مجرب ایرانی برخوردار بوده است (همان: ۶۷)، اما در این‌جا از ارائه منبع برای مدعای خود می‌پرهیزد. هم‌چنین، در این بخش اشاره می‌شود که سلجوقیان مقام دیوان‌سالاری را به ایرانیان واگذار می‌کردند (همان: ۹۲). در حالی که برخی از مواقع این مناصب به ترکان نیز واگذار می‌شد و حتی وزرای ترک نیز در عصر سلجوقیان مقام وزارت را برعهده می‌گرفتند (خواندمیر ۱۳۵۵: ۱۹۱-۱۹۴). در بحث از انگیزه‌های طغرل سلجوقی نیز فروزانی بر این نظر است که طغرل به درخواست خلیفه عباسی القائم بامرالله در سال ۴۴۷ ق به بغداد لشکر کشید (فروزانی ۱۳۹۴: ۷۵)، اما از

سایر انگیزه‌های طغرل سخن به‌میان نمی‌آورد. در فصل هفتم کتاب، در بیان سیاست مصالحه سنجر با اسماعیلیه آن را به‌معنای برقراری امنیت اجتماعی و پرهیز از ستیزه‌جویی‌های مذهبی توصیف می‌کند (همان: ۱۸۸). درحالی‌که، فارغ از صحت این ادعا، مبنا و مرجع این استدلال نیز ارائه نمی‌شود و بنابراین ایده خود نویسنده بدون دلیل مستند ارائه می‌شود؛ درحالی‌که نویسنده در پیش‌گفتار متن اشاره دارد که برمبنای داده‌های کلی نمی‌توان تحلیل و استنباط کرد.

در فصل دوازدهم، که به بررسی تشکیلات حکومتی و نظام اداری عصر سلجوقی توجه شده، نویسنده به‌نقل از کلوزنر مدعی است که نظام مدارس در این دوره به‌منظور تربیت مقامات مذهبی و دیوانی به‌کار گرفته شده است (همان: ۳۴۶)، اما او اشاره نکرده که این امر حالتی آرمانی است که نظام‌الملک آن را توصیف می‌کند و در عالم واقع همواره وضع بر این منوال نبود و گاه افرادی خارج از این چهارچوب، مانند کاشغری که ترک بود (خواندمیر ۱۳۵۵: ۱۹۱-۱۹۴)، صاحب مقامات دیوانی می‌شدند. در بخش وزارت این فصل، که به‌صورت مختصر آمده است، نویسنده اشاره دارد که وزیر پس از سلطان قدرت مطلق را داشت، اما باید بیان کرد که این امر اغلب درمورد وزرای مقتدر، هم‌چون نظام‌الملک، صدق می‌کند که در آن گاه وزرا از طریق به‌کارگماردن فرزندان خود در نقاط مختلف موازنه قدرت را به‌نفع خود تغییر می‌دادند (عقیلی ۱۳۶۴: ۲۰۷). درواقع، نویسنده به این امر اشاره نمی‌کند که گاه منصب وزارت بازبچه امرا قرار می‌گرفت و ازاین‌رو وزیر، که قدرت کافی برای اداره امور را نداشت، در موقعیتی بود که باید رضایت امرا را جلب می‌کرد و حتی گاه توسط امرا انتخاب می‌شد (برای دیدن انتخاب وزرا توسط امرا، بنگرید به بنداری اصفهانی ۱۳۵۶: ۷۰). در این بخش، نویسنده هم‌چنین بیان می‌کند که وزرای عصر سلجوقی ایرانی بودند (فروزانی ۱۳۹۴: ۳۴۸)، درحالی‌که در این دوران گاه وزاری ترک نیز به مقام وزارت می‌رسیدند و به همین دلیل گاه توصیه‌هایی می‌شد که وزرا باید از خاندان وزارت باشند (فخرمدبر ۱۳۴۶: ۱۳۰).

۳,۷ مسائل فرعی

از دیگر کاستی‌های کتاب سلجوقیان از آغاز تا فرجام پرداختن به مسائل فرعی و غیرضروری در اثری آموزشی است؛ برای مثال، نویسنده در فصل اول به پیشینه سلجوقیان پرداخته و به تبارشناسی به‌معنای نسب‌شناسی یا نسل‌شناسی آن‌ها توجه کرده است. در این

بخش، به روایت‌های اساطیری در مورد پیشینه سلجوقیان پرداخته شده (فروزانی ۱۳۹۴: ۱۴). هم‌چنین، به ریشه و تبار ترکان به صورت مفصل نظر می‌شود که این خود موجب اطالۀ کلام شده است، در حالی که آثار تخصصی‌تر هم به این تفصیل به این موضوع نپرداخته‌اند (اشپولر و دیگران ۱۳۸۵: ۳-۹). البته، نویسنده در برخی از موارد از ارائه توضیحی که موجب ایضاح موضوع می‌شود، می‌پرهیزد؛ برای مثال، در فصل اول به دشت خزر اشاره می‌شود (فروزانی ۱۳۹۴: ۱۶) که ترکان پس از فروپاشی امپراتوری به آن سمت مهاجرت کردند، اما در این بخش به تحدید و روشن‌شدن جغرافیای این منطقه کمک نمی‌شود و خواننده با ابهام رها می‌شود. نویسنده به سبک تاریخ‌نگاری‌های سنتی گاه مسائلی را مطرح می‌کند که با پیکرۀ اثر قرابت چندانی ندارد؛ برای مثال، او بخشی از اثر خود را به خصوصیات اخلاقی حاکمان اختصاص می‌دهد (همان: ۱۱۹-۱۲۰)، ولی در آن از نقد و بررسی جایگاه حاکمان در نظام حکومت سلجوقی خودداری می‌کند. به همین دلیل، ارتباط این بخش از کتاب با سایر بخش‌های کتاب نیز مشخص نمی‌شود.

۴,۷ ناتوانی در ارائه تصویری یک‌دست

مؤلف سلجوقیان از آغاز تا فرجام هرچند در صدد است تا تاریخی جامع از عصر سلجوقی ارائه دهد و در آن به جنبه‌های مختلف این حکومت نیز توجه کند، اما در ارائه تصویری جامع و کامل از این حکومت با مشکل روبه‌روست. در واقع، مؤلف علاوه بر ارائه اطلاعات متنوع در باب جنبه‌های مختلف حکومت سلجوقی از ارتباط برقرار کردن میان بخش‌های مختلف این اثر عاجز می‌ماند؛ برای مثال، فصل نهم کتاب، که به سلسله‌های محلی سلجوقی در کرمان و آسیای صغیر و سلجوقیان شام می‌پردازد، نویسنده با این مشکل مواجه است. آنچه از بیان رخداد‌های این سلسله‌ها در این بخش استنباط می‌شود این است که نویسنده از ارائه تصویری کلی از وضعیت این مناطق در دوره‌ای که از آن بحث می‌کند ابهام دارد و برای نمونه، فقط به بیان کشمکش‌های حکام سلجوقی کرمان می‌پردازد (فروزانی ۱۳۹۴: ۲۴۶-۲۵۵) و ارتباط آن با بخش‌ها و مراکز دیگر قدرت روشن نمی‌شود. در توصیف سلسله سلجوقی روم، نویسنده به‌رغم پرداختن به کشمکش‌های آن‌ها با صلیبیان و سایر مراکز قدرت از ارائه تصویر منسجم از این حکومت عاجز می‌ماند (همان: ۲۵۵-۲۶۵) و از ارائه چهارچوب این حکومت در آسیای صغیر ناتوان است و فقط به بیان روی کار آمدن حاکمان سلجوقی در آناتولی اکتفا می‌کند. سلجوقیان شام نیز از

حکومت‌های دیگری است که در فصل نهم به آن توجه شده است (همان: ۲۶۵-۲۸۰). در این بخش، به روال بخش‌های دیگر، به آمدوشد مدعیان قدرت پرداخته شده و کشمکش‌های نظامی و سیاسی توصیف شده است و از خلال این روایت‌ها درک موقعیت این حکومت در ساختار قدرت عصر سلجوقی ممکن نمی‌شود.

ناتوانی در ارائه تصویری یک‌دست از حکومت سلجوقی، علاوه بر موارد پیش گفته، در فصل دهم نیز که به بررسی چند حکومت اتابکی نظر دارد، مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در این فصل نویسنده بدون پرداختن به معرفی شرایط حکومت‌های اتابکی به معرفی این حکومت‌ها توجه دارد و معرفی نهاد اتابکی را به فصل بعد موکول می‌کند. در این بخش هم، به روال سایر بخش‌ها، تاریخ این حکومت‌ها به صورت تکه‌تکه دیده شده است و هر رویداد و دوران حکومت هر حاکمی به صورت مجزا تعریف می‌شود. از این رو، این اثر از القای حس پیوستگی ناتوان می‌شود و وقایع هر دوره به صورت جزایری نمود پیدا می‌کند. این بخش از بیان ارتباط حکومت‌های محلی، اتابکی، و شاخه‌های مختلف سلجوقیان با یکدیگر و حکومت مرکزی سلجوقیان عاجز است. بنابراین، کلیتی از نظام روابط این حکومت‌ها با یکدیگر ارائه نمی‌کند.

۵,۷ چهارچوب حکومت

فصل یازدهم این کتاب به ساختار سیاسی حکومت سلجوقیان و روند تحولات آن می‌پردازد و مدعی است که درک حکومت سلجوقیان بدون توجه به مبانی نظری حکومت سلجوقی، نهاد اتابکی، کشمکش دیوان‌سالاران و سپه‌سالاران و اقطاع‌ها ممکن نیست، اما آنچه از این فصل برمی‌آید این است که نویسنده به مبانی نظری حکومت سلجوقی توجه ندارد، بلکه به ساختارها و نهادهای این حکومت می‌پردازد و کارکرد آن‌ها را در داخل این حکومت توصیف می‌کند و حتی در بیان آن نیز به توصیف بسنده می‌کند و از تحلیل و تبیین جایگاه آن‌ها یا نقش آن‌ها در ساختار قدرت حکومت سلجوقیان می‌پرهیزد. در این بخش، که انتظار می‌رود ساخت‌های سیاسی حکومت توصیف و جایگاه آن‌ها در ارتباط با یکدیگر تبیین و تحلیل شود، هر بخش هم‌چون رویه سایر قسمت‌های کتاب به صورت مجزا و در انفکاک با یکدیگر توصیف می‌شود. از این رو، ترسیم ساخت سیاسی حکومت سلجوقی مقدور نمی‌شود. هم‌چنین، در این بخش جایگاه سلطان به دقت در نظام حکومت و نظام اندیشه‌ای تبیین نمی‌شود و به صورت مختصر به ارتباط نهاد خلافت با سلطنت توجه می‌شود.

در بخش مبانی نظری حکومت سلجوقی، نویسنده به نقل از لمبتون بر آن است که در دوران ابتدایی حکومت سلجوقیان آن‌ها به تأیید خلیفه نیاز داشتند و این امر به تثبیت موقعیت خلیفه منجر شده است. در حالی که نویسنده چگونگی این امر را توضیح نمی‌دهد و از سوی دیگر، این مدعا در تضاد با روند حکومت سلجوقی قرار می‌گیرد؛ زیرا نهاد سلطنت در عمل در ابتدای حکومت سلجوقیان نیز به هم‌وردی با نهاد خلافت می‌پردازد. نویسنده در این بخش بر این نظر است که هرچند حکومت سلجوقی مبتنی بر شریعت بود، اما به‌مرور اساس فقهی اسلامی حکومت سلجوقی جای خود را به مبانی اخلاقی اسلامی داد و از مبانی شریعت فاصله گرفت (فروزانی ۱۳۹۴: ۳۲۹). در واقع، این مدعایی است که نویسنده از توضیح آن خودداری می‌کند و مبانی و چهارچوب آن را برای خواننده توضیح نمی‌دهد. به عبارتی، برای خواننده مشخص نیست که تفاوت مبانی شریعت با مبانی اخلاق اسلامی چیست و هر یک چه الزاماتی را در خود مستتر دارد.

در فصل یازدهم، نویسنده در بیان ویژگی‌های نهاد اتابکی اشاره می‌کند که نهاد اتابکی نهادی اجتماعی بوده و به نهادی سیاسی تبدیل شده است (همان: ۳۳۳)، اما الزامات و نتایج این تبدیل در ساختار قدرت حکومت سلجوقی توضیح داده نشده و تقریباً به اشاره‌ای در این باب اکتفا می‌کند. این که چگونه این سنت اجتماعی به نهاد قدرت‌مندی تبدیل می‌شود، در متن اثر مشخص نیست. در واقع، نویسنده به بنیان‌های اجتماعی این سنت اشاره نمی‌کند و از ابتدا آن را «نهاد» می‌داند که این امر در تضاد با ساختار اجتماعی سلجوقیان است. در ادامه همین فصل، مؤلف در تعیین جایگاه نهاد وزارت این نهاد را به صورت مجزا مورد توجه قرار نداده است و نهاد وزارت را در کشمکش با سپهسالاران تعریف می‌کند و جایگاه آن‌ها را در تضاد با امرای نظامی قابل تعریف می‌یابد؛ در حالی که نهاد وزارت از اهمیت متمایزی در این دوره برخوردار بوده و خود جایگاه مستحکمی داشته است که با وجود وزرای قدرت‌مند، چون کندری و نظام‌الملک، خود را نشان می‌دهد. پرداخت مختصر به این نهاد از نقاط ضعف کتاب است که به‌رغم پرداخت نویسنده به رویدادهایی که وزرا در آن دخیل‌اند، ارتباط نهاد وزارت با سپهسالاران در این بخش نمود نمی‌یابد (برای درک جایگاه نهاد وزارت در عصر سلجوقی، بنگرید به کلوزنر ۱۳۶۳). افزون‌بر آن، ارتباط نهاد وزارت با سپهسالاران نیز ناقص توصیف می‌شود و نقشی که وزرا گاه در تضعیف نقش امرا داشته‌اند نادیده گرفته می‌شود.

در بررسی انواع اقطاع، به تمایز و نسبت اعطای اقطاع با نهادهایی چون اتابکی و نهاد وزارت توجه نشده و نقش آن نیز در چگونگی اداره حکومت و تضعیف سلسله سلجوقیان

روشن نشده است (فروزانی ۱۳۹۴: ۳۳۶-۳۴۰). در این بخش، تصویری ناقص از نظام اقطاع‌داری ارائه می‌شود و البته تفاوت «اقطاع التملیک» با «اقطاع الاستغلال» به صورت مختصر بیان می‌شود. هم‌چنین، به زمینه‌های اعطای این اقطاع‌ها نیز اشاره‌ای مختصر می‌شود. نویسنده در این جا مدعی است که اقطاع دیوانی از طریق غصب به صورت نوعی اقطاع موروثی درمی‌آید که ویژگی‌های «اقطاع التملیک» و «اقطاع الاستغلال» را در مجموع در خود دارد (همان: ۳۳۷)، اما به نظر می‌رسد این حکم کلی در مورد تمام اقطاع‌ها دیوانی صادق نیست. اگرچه برخی از اقطاع‌ها دیوانی به صورت موروثی درآمدند، اعطا و پس‌گرفتن آن همیشه در اختیار سلطان بوده و او می‌توانست اقطاع را پس بگیرد (لمبتون ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۴۲).

مؤلف در تعریف دیوان‌ها، در فصل دوازدهم، به اختصار جایگاه این دیوان‌ها را در نظام حکومتی سلجوقی تبیین می‌کند؛ مانند دیوان استیفا که به ذکر کلیات بسنده شده است (فروزانی ۱۳۹۴: ۳۴۸-۳۵۰). در توصیف دیوان عرض، بیش‌تر به بیان ابزار و آلات جنگی اهتمام می‌شود و جایگاه این دیوان در نظام اداری حکومت سلجوقی و نسبت آن با دیگر دیوان‌ها بیان نمی‌شود (همان: ۳۵۲-۳۵۳). در بررسی درگاه (دربار)، به رغم تأکید نویسنده بر تضاد دیوان و دربار، به صورت مختصر به درگاه توجه شده و از تبیین جایگاه این حوزه در نظام حکومتی سلجوقی و ارتباط آن با سایر بخش‌ها و کشمکش‌های آن‌ها امتناع شده است (همان: ۳۵۳-۳۵۴).

در بخش بررسی سپاه ثابت و حرفه‌ای، نویسنده به سیر تاریخی جایگاه سپاه در عصر سلجوقی بی‌توجه است و به صورت مختصر به توصیه‌های نظام‌الملک در عرصه سپاه‌داری اشاره دارد، ولی به تغییر جایگاه این سپاه در دوره‌های مختلف عصر سلجوقی توجه ندارد. برای مثال، به سپاه‌یانی اشاره نمی‌شود که به امرا وفادار بودند یا خود نظام‌الملک برای خود فراهم کرده بود (برای دیدن روایتی از وفاداری نظامیان به وزرا، بنگرید به ابن‌اثیر ۱۳۵۱: ج ۱۷، ۱۹۱-۱۹۲). در عین حال، در این مسیر روند تاریخی نیروهای نظامی نیز توضیح داده نمی‌شود. در واقع، اشاره نویسنده در این بخش به سخنان نظام‌الملک به حالت مطلوب نظام سپاه حرفه‌ای معطوف است (فروزانی ۱۳۹۴: ۳۵۵-۳۵۶) و بیان‌گر وضع واقعی نیروی نظامی در این دوره نیست.

در بحث از دیوان برید، جایگاه این دیوان به درستی در نظام اداری عصر سلجوقی تبیین نشده است؛ این‌که این دیوان چه نقشی در استحکام یا تزلزل حکومت سلجوقی داشته توضیح داده نشده است و فقط در این بخش به بیان توصیه‌های نظام‌الملک در مورد دیوان برید بسنده می‌شود (همان: ۳۵۷-۳۵۹). در بررسی بخش اوقاف، نویسنده ارتباط آن را با

نظام و نهاد اقطاع مشخص نکرده است (همان: ۳۵۹-۳۶۰). بنابراین، از ترسیم تصویری منسجم از نظام زمین‌داری عصر سلجوقی باز می‌ماند. در بحث از مقام ریاست، مؤلف جایگاه رئیس را در نظام شهری در تقابل با دیگر مقامات به‌درستی تبیین نکرده است و به توصیف کلی از این مقام اکتفا می‌کند (همان: ۳۶۱). هم‌چنین، مؤلف به منابع جدید نیز در این حوزه توجه نکرده و از آن‌ها بهره نبرده است (یوسفی‌فر و آزاده ۱۳۹۰). نویسنده در بیان جایگاه مقام عمید به منابع قدیمی اکتفا کرده و از تحقیقات جدید بهره نبرده است (فروزانی ۱۳۹۴: ۳۶۲). او در توصیف جایگاه مقام محتسب نیز وظیفه حفاظت از اخلاق عمومی جامعه را وظیفه محتسب معرفی کرده، ولی ارتباط وظیفه او را با نهاد شریعت و نهاد سلطنت مورد بحث قرار نداده است (همان: ۳۶۲-۳۶۳). در کل، درباره مقامات شهری و ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر و تمایز آن‌ها به‌دقت تصریح نشده است و تصویری منسجم از این مناصب ارائه نمی‌شود.

۶,۷ وجهه تمدنی و فرهنگی

نقطه قوت کتاب پرداختن به وجوه فرهنگی و تمدنی عصر سلجوقی است که به تفصیل صورت می‌گیرد و درباره جنبه‌های مختلف آن بحث و بررسی انجام می‌گیرد. فروزانی با پرداختن به اوضاع مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، ادبیات، علوم، معماری، و هنر در عصر سلجوقی به صورت مجزا کوشیده تا روایتی جامع از اوضاع فرهنگی و اجتماعی این دوره ارائه دهد، اما این مباحث گاه در این اثر به صورت ناقص طرح می‌شوند و پیوستگی با یک‌دیگر برقرار نمی‌کنند. در واقع تلاش این اثر، هم‌چون آثاری که بُعد فرهنگی و تمدنی آن غالب است (بنگرید به اشپولر ۱۳۴۹)، به ایجاد تصویری هماهنگ از وضعیت این دوره منجر نمی‌شود؛ چنان‌که فصل سیزدهم آن، که به اوضاع مذهبی در قلمرو سلجوقیان می‌پردازد، ارتباط مذهب و نقش مذهبی حکام سلجوقی را با نهاد خلافت تشریح و تبیین نمی‌کند و جایگاه و نقش دو نهاد را در تعامل با یک‌دیگر در این حوزه توصیف نمی‌کند. مؤلف، در قسمت جغرافیای مذهبی، از ارائه تصویری از تقسیم‌بندی مذهبی در قلمرو سلجوقی براساس منطقه سکونت‌گاهی ناکام می‌ماند (فروزانی ۱۳۹۴: ۴۰۰-۴۰۲).

در فصل چهاردهم کتاب، که به بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی عصر سلجوقی تعلق دارد، نویسنده به بررسی برخی از مسائل که به موضوع فصل تعلق دارد نمی‌پردازد. برای مثال، او در بخش اوضاع اجتماعی از تقابل دو جامعه کوچ‌رو و یک‌جانشین اجتناب

می‌کند و تضادها و تمایزات این دو حوزه را به دقت شرح نمی‌دهد. هم‌چنین، به نظامات شهری که بر این اساس شکل گرفته است، بی‌توجه می‌ماند و به ساختارهای شهری در ارتباط با این دو حوزه توجه ندارد و حتی به تغییر ساختار شهری با ورود جوامع کوچ‌رو نمی‌پردازد (برای مطالعه تفسیری در این باره، بنگرید به یوسفی فر ۱۳۹۰). نویسنده، هم‌چون روال سایر فصل‌ها، هم‌چنان فقط به بیان رویدادهایی چون زلزله یا بیماری‌ها در این بخش اکتفا می‌کند و از تحلیل اوضاع اجتماعی و گروه‌بندی‌های اجتماعی در این دوره خودداری می‌کند. در بحث از وضعیت اقتصادی و کشاورزی نیز به معموربودن اغلب بخش‌ها و محصولات آن توجه دارد و تأثیر حضور سلجوقیان را در رشد یا کاهش محصولات و هم‌چنین ارتباط جامعه کوچ‌رو با جامعه یک‌جانشین را در این حوزه تبیین نمی‌کند و سیر تاریخی رشد یا افول کشاورزی را در این دوره توضیح نمی‌دهد. فروزانی در بخش صنایع و حرفه‌ها، با پرداخت مختصر به این موضوعات، اطلاعات کافی در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد. در بخش تجارت داخلی و خارجی، نویسنده بر تجارت داخلی تأکید دارد و نقش سلجوقیان در کاهش یا افزایش این امر را نشان نمی‌دهد.

فصل پانزدهم سلجوقیان از آغاز تا فرجام، که به ادبیات و علوم در عصر سلجوقی می‌پردازد، به معرفی بزرگان علم و فرهنگ این دوره، که در قلمرو سلجوقیان و شاخه‌های حکومت‌های آن زندگی می‌کردند، اختصاص دارد. توجه به بزرگان و علما از محاسن کتاب است. البته، در این بخش نیز نویسنده رویکرد توصیفی خود را حفظ کرده و فقط به معرفی این افراد بسنده می‌کند و از ارائه فضای علمی و فرهنگی کلی این دوره اجتناب می‌کند. به این معنا که سیر دانش علمی در این دوره، زمینه‌ها، بسترها، و روند آن توضیح داده نمی‌شود. در این فصل، نقش حضور سلجوقیان در تغییر سبک و نگارش و رونق یا تغییر جهت آثار ادبی و علمی تبیین نمی‌شود. در واقع، مؤلف علمای این دوره را به صورت جداگانه بررسی می‌کند و از این رو، کلیتی از فضای علمی این دوره، از متن اثر، دریافت نمی‌شود (برای دیدن نمونه‌ای از پرداخت به کلیت تحلیلی فضای علمی، بنگرید به دلیر ۱۳۹۵: ۱۹-۵۸).

در فصل شانزدهم کتاب، که به معماری و ادبیات عصر سلجوقی می‌پردازد، مؤلف از بیان کلیات سبک معماری در این دوره چشم پوشیده است و برای آشنایی بیشتر با الگوهای معماری از تصاویر استفاده نمی‌کند؛ برای مثال، در توصیف کاروان‌سراها به ویژگی‌های معماری آن پرداخته (فروزانی ۱۳۹۴: ۴۶۳) و چرایی و چگونگی تزئین‌ها و هنرها و صنایع دستی نیز تحلیل نشده است.

فصل آخر این کتاب به پی‌آمدهای حضور سلجوقیان در ایران و جهان اسلام توجه دارد. نویسنده در این بخش مدعی است سلجوقیان یک‌پارچگی سرزمینی ایران و نیز قدرت مرکزی ایران در دوران ساسانیان را احیا کردند که به‌نظر می‌رسد باتوجه‌به شاخه‌های مجزای حکومت سلجوقی این ادعا چندان درست نباشد (همان: ۴۷۳-۴۷۴). نویسنده در بخش دیگری از این فصل نیز مدعی است که سلجوقیان تبعیت از خلافت عباسی را در رأس برنامه‌های خود قرار داده بودند که باتوجه‌به هم‌اوردی قدرت سلاطین سلجوقی با خلفا به‌نظر می‌رسد این امر محل سؤال باشد (همان: ۴۷۴). در این بخش، از نقش‌آفرینی زنان دودمان سلجوقی نیز یاد می‌شود (همان: ۴۷۸)، ولی این که این امر چه نسبتی با رسوم کوچ‌روی داشته (لمبتون ۱۳۸۶: ۲۸۱) تبیین نشده است. البته، این فصل در عمل تکرار مباحثی است که در فصل‌های پیشین ذکر شده و در این فصل به‌صورت مجزا تفکیک و در یک بخش گردآوری شده است.

۸. نتیجه‌گیری

کتاب *سلجوقیان از آغاز تا فرجام کوششی* است در جهت ارائه متنی درسی برای دانشجویان کارشناسی که با زبان ساده و گویا ارائه می‌شود، ولی باتوجه‌به این که شیوه تاریخ‌نگاری توصیفی را در پیش می‌گیرد، فقط به بیان رویدادها اکتفا می‌کند و از ارائه تحلیل رویدادها خودداری می‌کند، نویسنده با درپیش گرفتن این شیوه حوزه نقد و تحلیل و تعلیل را به دانشجویان نشان نمی‌دهد و دانشجویان را به تاریخ «روایی» عادت می‌دهد و نیروی اندیشه آن‌ها را به تحرک و انمی دارد. نویسنده در بخش‌هایی به تحلیل رویدادها می‌پردازد، ولی در این مسیر نیز با عدم تدقیق و ذکر شاهد مثال خواننده را در ابهام رها می‌کند. این امر نمی‌تواند جامعه مخاطب را به‌منظور بهره‌بردن از داده‌های تاریخی در جهت بیان ایده یا نظریه خاص راه‌نمایی کند.

نقطه قوت و اتکای این اثر پرداختن به وجوه تمدنی و فرهنگی به‌صورت مفصل است که در سایر کتاب‌های هم‌سطح این اثر اغلب به‌اجمال صورت می‌گیرد. این امر به جامعیت این اثر کمک کرده و خواننده را با وجوه دیگری از حکومت سلجوقی آشنا می‌کند، اما خوانش این اثر با مشکلاتی نیز روبه‌روست؛ برای مثال، تکرار و زوائد این اثر با اطناب و حشو خواننده را خسته می‌کند. توجه به موضوعاتی که گاه در تاریخ‌نگاری سنتی رواج دارد و اجتناب از بیان و تحلیل رویدادها خوانش کتاب را برای دانشجویان دشوار کرده،

در حالی که بهتر بود مؤلف در انتخاب روش کار خود نسبتِ دانشجویان با فضای علمی رشته خود را در نظر می‌گرفت.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین بن علی (۱۳۵۱)، *الکامل*، ترجمه علی هاشمی حائری، ج ۱۷، تهران: علمی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۴۹)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشپولر، برتولد و دیگران (۱۳۸۵)، *ترکان در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- باسورث و دیگران (۱۳۶۶)، *تاریخ ایران کمبریج؛ از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
- بنداری اصفهانی (۱۳۵۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حلمی، احمد کمال‌الدین (۱۳۹۰)، *دولت سلجوقیان*، ترجمه عبدالله نصری طاهری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد (۱۳۵۵)، *دستور الوزراء؛ شامل احوال و زرای اسلام تا انقراض تیموریان*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- دلیر، نیره و عاطفه کاظمی مجرد (۱۳۹۵)، «علوم عقلی در عصر سلجوقی: بررسی و تحلیل جامعه آماری دانشمندان»، *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، س ۱۲، ش ۲۴.
- ستارزاده، ملیحه (۱۳۹۵)، *سلجوقیان (۴۳۱-۵۹۰)*، تهران: سمت.
- عقبلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام (۱۳۶۴)، *آثار الوزراء*، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: اطلاعات.
- فخرمدبر، محمد بن منصور (۱۳۴۶)، *آداب الحرب و الشجاعة*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۴)، *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*، تهران: سمت.
- کلوزنر، کارلا (۱۳۶۳)، *دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- لمبتون، آن (۱۳۸۶)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۸۶)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سلجوقیان*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰)، *شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یوسفی‌فر، شهرام و صابره آزاده (۱۳۹۰)، «منصب رئیس در شهرهای دوره سلجوقی و پیوستگی‌های محلی و اجتماعی آنان»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، س ۲، ش ۸.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی